

پرسش ۶۶۴: معنی احیا، وفات، رفع و نسخ وارد شده در قرآن کریم

السؤال / ٦٦٤: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على خير خلقه محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين و سلم تسليماً.

السلام على اليماني الموعود والقائم المنصور، والمهدي الأول يوسف آل محمد ورحمة الله وبركاته.

سلام و رحمت خداوند و برکات او بر یمانی وعده داده شده، قائم منصور و مهدی اول یوسف آل محمد.

سيدي أعذرنى لتطفلي وتجاوزي، أنا العبد الحقير الذي قد أخلقت وجهه الذنوب وأنهكتة المعاصي أسأل الله أن يرزقني رؤيتك وصحبتك ونصرتك والشهادة بين يديك وأن يرزقني شفاعتكم في الآخرة وأن يعرف بيني وبينكم وأن يجعلني خادماً ذليلاً لكم.

آقای من! از اخلاق کودکانه و سرپیچی ام از شما عذرخواهم؛ بنده ی حقیری هستم که گناهان صورتش را سیاه و معاصی از خود غافلش نموده. از خداوند درخواست می کنم که دیدن، همراهی، یاری دادن و شهادت در پیشگاه شما و همچنین شفاعت شما را در آخرت روزی ام گرداند و من و شما را به یکدیگر بشناساند و مرا خدمت گذاری ذلیل برای شما قرار دهد.

سيدي لدي بعض الأسئلة إذا سمح وقتك، أرجو التفضل بقراءتها والإجابة على ما هو مقبول منها، وأعتذر في المقدمة لشدة جهلي وكثرة غفلي.

آقای من! اگر وقتتان اجازه دهد، پرسش‌هایی دارم. امیدوارم بزرگواری نمایید و آن را مطالعه کنید و آنچه را که مورد پذیرش‌تان می‌باشد، پاسخ دهید. پیشاپیش از شدت نادانی و زیادی غفلتم عذرخواهم.

س ۱ / قال تعالی متحدثاً عن عيسى ابن مريم (عليه السلام): (وَأُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ) [آل عمران: 49]. هل المقصود بالموتى هو أحياء الناس بعد موتهم, كأخراجهم من القبور, أو المقصود هو أحياء النفوس الميتة ببعث الأيمان فيها؟

سؤال ۱: حق تعالی از زبان عیسی (ع) می‌فرماید: (و مرده را با اجازه‌ی خداوند زنده می‌گردانم) ([68]). آیا منظور از مردگان همان زنده کردن مردم پس از مرگ‌شان می‌باشد؟ مانند بیرون آوردن آنها از قبرها؟ یا منظور زنده کردن جان‌های مرده با برانگیختن ایمان در آنها می‌باشد؟

س ۲ / قال تعالی: (إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ هُنَا وَمَنْ مَعَكَ مِنَ الْبَنَاتِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا تُصَلِّىٰ بِهِ الْبَنَاتُ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ إِنَّكَ كَرِيمٌ ثَابِتٌ) [آل عمران: 55]. هنا ما المقصود بالوفاة هل يعني الموت, فإن كان كذلك فأين قبر عيسى ابن مريم (عليه السلام), وإن كان غير ذلك فأين هو الآن, وهل إن نزوله يكون بالشخص أو بالخاصية, وما المقصود من رفعه, هل هو رفع الدرجة أو غيره.. وما معنى رفعه إلى السماء المتداول علماً أن الآية لم تذكره.

سؤال ۲: خداوند متعال می‌فرماید: (آنگاه که خداوند گفت: ای عیسی، من تو را برگرفته، به سوی خود بالا می‌برم) ([69]). منظور از «وفات» در اینجا چیست؟ آیا به معنی مرگ می‌باشد؟ اگر چنین است، قبر عیسی بن مریم (ع) کجا است و اگر این‌گونه نیست، اکنون او کجا است و آیا فرود آمدن او با شخص خودش می‌باشد یا با شخصیتش؟ منظور از «رفع شدن» ایشان چیست؟ آیا بالا بردن درجه است یا چیزی دیگر؟.... معنای بالا بردن او به همین آسمان متداول چیست؟ با توجه به اینکه آیه آن را ذکر نکرده است.

س ۳ / قال تعالى: (مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا) [البقرة: 106]. ما معنى النسخ؟ وهل المقصود به نسخ شريعة الإسلام لما سبقها من الشرائع؟ أم نسخ آيات القرآن بعضها لبعض؟ فإن كان المعنى الثاني فهل يعني إن الآيات المنسوخة يبطل العمل بها؟ فما فائدة وجودها، ولماذا كان النسخ أساساً؟

سؤال ۳: خداوند متعال می فرماید: (هیچ آیه‌ای را منسوخ یا ترک نمی کنیم مگر آنکه بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم) [البقرة: 106]. معنای «نسخ» چیست؟ آیا منظور از آن، نسخ شرایع پیشین توسط شریعت اسلام است؟ یا نسخ برخی از آیات قرآن توسط برخی دیگر؟ اگر معنای دوم مورد نظر است، آیا به این معنا است که عمل کردن به آیات نسخ شده باطل می باشد؟ فایده‌ی وجود آنها چیست و اساساً نسخ کردن برای چه می باشد؟

س ۴ / قال تعالى: (وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا) [الحج: 40]... ما المراد من الآية الكريمة، وهل يجب على المسلمين الدفاع عن أماكن العبادة للأديان الأخرى؟

پرسش ۴: خداوند متعال می فرماید: (و اگر خداوند بعضی را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکرده بود، دیرها و کلیساها و کنشتها و مسجدهایی که نام خدا به فراوانی در آن برده می شود ویران می گردید) [الحج: 40]... منظور از آیه‌ی شریف چیست؟ و آیا دفاع از اماکن عبادت ادیان دیگر بر مسلمانان واجب است؟

س ۵ / هل وجود التصور لدى الإنسان وجود قهري أم تخيري، فإن كان قهري ألا يتنافى مع الأمر بالخشوع، وإن كان تخيري فماذا يجب على الإنسان في اختيار التصور المناسب؟

پرسش ۵: آیا وجود داشتن تصور برای انسان، مسئله‌ای جبری است یا اختیاری. اگر جبری باشد، آیا منافی دستور به خشوع می باشد؟ و اگر اختیاری است، در انتخاب تصور مناسب، چه چیزی واجب است؟

س ٦ / ورد في بعض الكتب أسباب لنزول الآيات، فهل يعني ذلك أن الآية متوقف نزولها على ذلك السبب؟ بحيث لو لم يكن موجوداً ما نزلت الآية، فإن كان غير ذلك فكيف سيكون نزول الآيات، هل بصيغتها الحالية أم بالفاض أخرى متضمنة لنفس الحكم؟ وبعبارة أخرى هل إن الآية قبل نزولها شيء وعندما يراد تنزيلها تنزل بحسب الحال الذي يراد منها؟

المرسل: سلمان الأنصاري - العراق / كربلاء المقدسة

پرسش ٦: در برخی کتابها، اسباب و شأن نزول آیات آمده. آیا این به آن معنا است که نزول آیه بستگی به این سبب و دلیل می باشد؟ به طوری که اگر این اسباب وجود نمی داشت، آیه نازل نمی شد. اگر این طور نیست، نزول آیات چگونه می باشد. آیا به همان شکل فعلی آن است یا با الفاظ دیگری که همین حکم را در بر می گیرد، انجام می شد؟ به عبارت دیگر آیا پیش از نازل شدن آیه چیزی بوده و هنگامی که نزول آن قصد می شود، بر اساس وضعیتی که در آن قصد صورت گرفته است، نازل می شود؟
فرستنده: سلمان انصاری - عراق - کربلای مقدس

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

ج س ١ / يحيي الأنفس والأجساد بمشيئة الله وإرادته، وعندما تكون هناك حكمة وفائدة مترتبة، فأكد أنه يحيي الأنفس بالإيمان بالحق، وهذا

هو الإحياء الحقيقي، أمّا إحياء بعض الموتى بمعنى عودة أنفسهم لأجسادهم بعد مفارقتها فأيضاً تحقق لعيسى (عليه السلام) بمشيئة الله وبحوله وقوته سبحانه، ووفق حكمة وفائدة من هذا الإحياء.

پاسخ پرسش ۱: او نفس‌ها و بدن‌ها را با خواست و اراده‌ی خداوند زنده می‌کند؛ البته اگر حکمت و فایده‌ای در آن باشد. به طور قطع او نفس‌ها را با ایمان به حق زنده می‌کند و این همان زنده کردن حقیقی است. اما زنده کردن برخی مردگان به معنای بازگشت نفس‌های آنان به جسد‌هایشان پس از جدا شدن از آنها نیز برای عیسی (ع)؛ با خواست، اراده و نیروی خداوند سبحان و بر اساس حکمت و اینکه این زنده کردن، فایده‌ای در بر داشته باشد محقق شد.

ج س ۲ / عیسی (عليه السلام) مرفوع، ومعنى الرفع وتفصيله قد بيّنته لأحد المؤمنين، وهو منشور في كتاب، ويمكنك قراءته.

پاسخ پرسش ۲: عیسی (ع) مرفوع است. معنای رفع و تفصیل آن را برای یکی از مؤمنان بیان نمودم و در کتابی منتشر شده است و می‌توانی آن را مطالعه کنی. [70]

ج س ۳ / النسخ يشمل الشرائع السابقة وأيضاً يشمل الشريعة التي جاء بها الرسول (صلى الله عليه وآله) والقرآن، وأما فائدة المنسوخ أو الآية المنسوخة أو العمل بها، هو أن الحكمة: العمل بها قبل نزول النسخ لها، مثلاً ان تكون لتقية أو امتحان الناس أو التدرج معهم في معرفة الحق وتحمله.

پاسخ پرسش ۳: نسخ کردن شامل شرایع پیشین و همچنین شامل شریعتی می‌شود که رسول خدا (ص) آن را آورده و همچنین قرآن، می‌باشد. اما فایده‌ی منسوخ یا آیه‌ی منسوخ شده یا عمل به آن، در حکمتی که در بر دارد می‌باشد: عمل به آن پیش از

نزول نسخ کننده‌اش؛ مثلاً اینکه برای تقيه باشد یا برای آزمایش مردم یا همراهی با آنان در شناخت حق و تحمل آن.

ج س ۴ / هذه الآية قد بيّنتها في المتشابهات فيمكنك القراءة إن شاء الله.

پاسخ پرسش ۴: این آیه را در کتاب متشابهات بیان نمودم و ان شاء الله می‌توانی آن را مطالعه کنی.

ج س ۵ / الإنسان مختار والصور التي ترسم في ذهنه مصدرها أحد ثلاثة؛ إمّا نفسه وما يفكر به هو قبل هذا التصور، أو الشيطان وجنده، أو الله سبحانه وجنده من الأولياء والملائكة، أي يمكن اختصار الأمر بين ثلاثة؛ الله، والنفس، والشيطان، فالمطلوب من الإنسان أن يخلص لله ويجعل تفكيره دائماً في الله وما يريد الله ليكون ما في نفسه هو ذكر الله وأوليائه وما يريد الله وأوليائه وبقدر إخلاص الإنسان يكون ما يرد عليه نقياً من هوى النفس والدنيا والشيطان.

پاسخ پرسش ۵: انسان اختیار دارد و منبع تصویری که در ذهنش رسم می‌شود، یکی از سه مورد می‌باشد: یا از سوی (نفس) خودش و آنچه پیش از این تصور در فکرش بوده، می‌باشد، یا از سوی شیطان و سربازانش، و یا از جانب خداوند سبحان و اولیا و فرشتگانی است که سربازان او هستند. یعنی می‌توانیم مسئله را در سه مورد خلاصه کنیم: خداوند، نفس و شیطان. آنچه که از انسان خواسته شده این است که برای خداوند اخلاص ورزد و تفکرش را همیشه برای خداوند و آنچه او می‌خواهد، قرار دهد؛ تا آنچه درونش است، یاد خداوند، اولیای او و آنچه خداوند و اولیایش می‌خواهند، باشد. به میزان اخلاص انسان آنچه بر او می‌گذرد، از هوای نفس، دنیا و شیطان پاک می‌شود.

ج س ٦ / القرآن في العوالم العلوية أكيد أنه شيء آخر لأنّ العوالم العلوية ليست عوالم أَلْفَاظ، الألفاظ هي جزء من هذا العالم الجسماني وبالتالي فلا يمكنك تقييد القرآن بالألفاظ، بل غاية ما في الأمر أن هذا العالم الجسماني لتُظهر فيه المعنى تحتاج إلى اللفظ؛ ولهذا كانت الألفاظ هي التي أظهرت معاني وحقائق القرآن في هذا العالم وأظهرتها بقدر هذا العالم الجسماني.

پاسخ پرسش ٦: در عوالم علیا، به طور قطع قرآن چیزی دیگر است؛ چرا که عوالم علیا، عوالم الفاظ نیستند. الفاظ جزئی از این عالم جسمانی می باشد و در نتیجه امکان ندارد بتوان قرآن را در قید و بند الفاظ محدود کرد. بلکه در این خصوص حداکثر به این صورت است که برای اینکه در این عالم جسمانی معنا آشکار شود، به لفظ نیاز می باشد؛ از همین رو الفاظ چیزی هستند که معانی و حقایق قرآن را در این عالم آشکار می کنند، و به اندازه‌ی (ظرفیت) این عالم جسمانی، آن را آشکار می نمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - جمادی الآخرة / 1432 هـ

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

احمد الحسن - جمادی الآخرة ١٤٣٢ هـ



[67] - خصال صدوق: ص 56؛ عیون اخبار رضاع) ج 1 ص 189؛ مستدرک حاکم: ج 2 ص 559؛ نیل الأوطار شوکانی: ج 9 ص 164. مسلمان تردید نمی کند که پیامبر (عزوجل) فرزند اسماعیل است و آن گونه یهودیان که ادعا می کنند، فرزند اسحاق نیست.

[68] - آل عمران: 49.

[69] - آل عمران: 55.

[\[70\]](#) - کتاب همگام با بندهی صالح ع - فصل سوم: مسایل مربوط به اعتقادات - معنای رفع (مترجم).